

از من خواسته شد مقاله‌ای درباره اصطلاحنامه‌سازی بنویسم و آنچه در زیر می‌خوانید، نه مقاله‌ای نظری، بلکه مطالبی است که با توجه به سی سال تجربه حرفه‌ای‌ام در خدمات فنی کتابخانه‌ها، تدریس درس‌های کتابداری و به ویژه اجرای پروژه‌های پژوهشی در زمینه واژگان کنترل شده می‌نویسم. بنابراین در این جا نه به تعریف و تاریخچه اصطلاحنامه‌سازی در ایران و جهان می‌پردازم و نه اصول و ضوابط آن را برمی‌شمارم، بلکه صرفاً به مهمترین موانع و مسائل اصطلاحنامه‌سازی در ایران که از سال ۱۳۶۵ عملاً آنها را لمس کرده‌ام اشاره می‌کنم.

انگشتری پراگشت‌شکسته

اشاراتی به مسائل اصطلاحنامه‌سازی در ایران، در حاشیه نشست نقد و بررسی اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا) در کتاب ماه کلیات

○ فاطمه رهادوست

ضعف بیشتر به نارسایی‌ها در این حوزه و حرفه بازمی‌گردد تا دیگر حوزه‌ها و حرفه‌ها.

مسئله دوم: نابسامانی ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و پژوهشی اصطلاحنامه نظامی است که برای ذخیره و بازیابی اطلاعات مناسب برای کاربر مناسب در زمان مناسب نقش کلیدی دارد و بدیهی است که نابسامانی‌های موجود در فرآیند ذخیره و بازیابی اطلاعات نمی‌تواند بر اصطلاحنامه که هم فرآیند و هم فرآورده و ابزار ذخیره و بازیابی است، بی‌اثر باشد. وقتی فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی در بسیاری از کتابخانه‌های ما انجام نمی‌شود و یا اگر انجام می‌شود به روش درست و اصولی نیست، چه دلیلی دارد انتظار تهیه ابزارهای ذخیره و بازیابی را داشته باشیم یا متوقع باشیم این ابزارها پویا و روزآمد بشوند؟

مسئله سوم: نبود انجمن‌های تخصصی در بسیاری از حوزه‌ها و ضعف انجمن‌های علمی و تخصصی موجود اصطلاحنامه نظامی است زنده و پویا که گرچه اطلاع‌رسانان مسئول تهیه آنند، اما مواد اصلی آن را تولیدکنندگان و کاربران اطلاعات تهیه می‌کنند که در این دو قطب یعنی تولید (پشتوانه انتشاراتی) و استفاده (پشتوانه استفاده‌کنندگان)، دو حوزه نشر و اطلاع‌رسانی، به نقش‌های حساس‌شان در زمینه انتقال اطلاعات عمل می‌کنند. بدیهی است که

مسئله اول: غریب بودن مفهوم اصطلاحنامه و اصطلاحنامه‌سازی به علل گوناگون از جمله ضعف نظام آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران، دانشجویان کتابداری حتی به لحاظ نظری با اصطلاحنامه آشنا نیستند و به جرات می‌گویم حتی بسیاری از آموزشگران ما هم به درستی نمی‌دانند اصطلاحنامه چیست، چه ساختار و کاربردی دارد، ضوابط تهیه آن چیست و براساس چه معیارهایی ارزشیابی می‌شود. هر سال در نخستین نیمسال کارشناسی ارشد که درس مبانی کتابداری تدریس می‌شود، وقتی به مبحث اصطلاحنامه می‌رسیم، از دانشجویانی که بسیاری از آن‌ها دوره کارشناسی کتابداری را گذرانده‌اند، درباره اصطلاحنامه می‌پرسیم و به یاد ندارم که حتی یک بار پاسخ قانع‌کننده‌ای شنیده باشم. چون اگر آموزشگران، اصطلاحنامه را می‌شناختند، طی چهار سال، آن را به دانشجویان آموزش می‌دادند.

صرفنظر از کتابداران و اطلاع‌رسانان، صاحب‌نظران در دیگر رشته‌های علمی و ادبی نیز به ندرت با مفهوم، ساختار و کاربرد اصطلاحنامه آشنایی دارند. طی تماس گسترده‌ای که از سال ۱۳۶۵ به دلیل کار روی واژگان کنترل شده با انواع متخصصان داشتیم، نه تنها در حوزه‌های علوم طبیعی و اجتماعی و انسانی، صاحب‌نظری نیافتیم که بدانند اصطلاحنامه چیست و به چه کار می‌آید، بلکه در مواردی تلاش‌هایم برای توضیح و تبیین اصطلاحنامه به نتیجه نمی‌رسید. البته چون اصطلاحنامه‌سازی کاری در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است، این

نیازهای اطلاعاتی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اطلاعات علمی و تخصصی، نه ثابت است و نه یکسان و به دلیل تفاوت‌های ماهیتی علوم (که می‌توانند طبیعی یا اجتماعی، تجربی یا غیرتجربی و مولد یا کاربردی باشند)، و تحت تأثیر متغیرهای تأثیرگذار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، هر حوزه و تخصص نیازها، مسائل و ابتلاهای خاص خود را دارد. بنابراین هیچ نهادی جز انجمن‌های علمی و تخصصی، بستر مناسبی برای طرح و بررسی نیازها و مسائل خاص و تنظیم راهبردها و راهکارهای لازم برای رفع مسائل علمی و تخصصی نیست.

در ایران ما در بسیاری از حوزه‌های علمی یا انجمن علمی و تخصصی نداریم و یا انجمن‌هایی داریم که از محتوا و پویایی بی‌بهره‌اند و این یکی از بزرگترین موانع در کار اصطلاحنامه‌سازی است. چرا که اصطلاحنامه‌سازان در مقطعی از کار تهیه اصطلاحنامه که لازم است نظر تخصصی متخصصان را درباره اصطلاحات و روابط معنایی‌شان جویا شوند، به دلیل این رکود و ضعف در نهادهای تخصصی و نبود راهنماهای روزآمد در هر حوزه علمی، ناچار می‌شوند با زحمت و مرارت بسیار به متخصصانی که شخصاً با آنان آشنا می‌شوند متوسل شوند (که ممکن است بهترین‌ها نباشند) و باز هم با مشقت فراوان با تک تک این سیاره‌های جدا از هم ارتباط برقرار کرده و انتظارات‌شان را به ایشان تبیین کنند. کمترین صدمه ناشی از به کارگیری این شیوه، ارتباطی غیرنظام‌مند و از بین رفتن یکپارچگی اصطلاحنامه‌هاست و صدمه‌های دیگری که به نظام اصطلاحنامه و اصطلاحنامه‌سازان وارد می‌شود، شرح مفصلی دارد که فعلاً از آن می‌گذرم.

مسئله چهارم: نابسامانی‌های نشر

اشاره کردم که دو حوزه نشر و اطلاع‌رسانی هریک به نوعی نقش انتقال‌دهندگی اطلاعات را در چرخه نظام اطلاع‌رسانی به عهده دارند. محل بروز نارسایی‌ها و نابسامانی‌های نشر پشتوانه انتشاراتی است که نخستین مواد خام اصطلاحنامه‌سازان است. بنابراین از یک طرف غفلت انجمن‌های تخصصی از سامان‌بخشی به زبان علم در هر حوزه و از طرف دیگر آشفتگی‌های متون منتشر شده به دلیل رعایت نکردن اصول نشر و ویراستاری، موجب می‌شود واژگان تخصصی در حوزه‌های گوناگون به شکل ناهماهنگ و چه بسا غلط و مخدوش در متون و منابع ظاهر شوند و در اثر این ناهماهنگی‌ها، نه تنها کار واژه‌گزینی اصطلاحنامه‌سازان مشکل‌تر می‌شود، بلکه در مواردی اصطلاحنامه‌ها به طور ناخواسته اشاعه‌دهنده غلط‌های مصطلح می‌شوند.

مسئله پنجم: پویا نبودن نظام ملی اطلاع‌رسانی ایران

اصطلاحنامه‌های مناسب و کارآمد و روزآمد کلید گردش روان اطلاعاتند، و بدون اطلاعات، نه پژوهش و نه توسعه تحقق‌پذیر نیست. به ویژه توسعه پایدار که در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی و اقتصادی ما با بسامد بسیار طرح می‌شود. متأسفانه اهمیت و ضرورت اطلاعات که از ملزومات اصلی توسعه پایدار است، توسط دولتمردان جامعه ما عمیقاً درک نشده و به آن پرداخته نمی‌شود و نشانه آن هم پویانبودن نظام ملی اطلاع‌رسانی کشور و نبود سیاست اطلاعاتی است که سال‌های سال است برخی صاحب‌نظران شناخته شده، ضرورت آن را پیاپی گوشزد کرده‌اند و عملاً پاسخ درخوری که نشان دهد انتقال پیام به انتقال معنا انجامیده،

دریافت نشده است. براساس پژوهشی تطبیقی که در سال ۱۹۸۳ توسط ریچارد کرزیس و گاستون لیتون در سطح جهانی انجام گرفته، بین متغیر آگاهی دولتمردان از اهمیت اطلاعات و پشتیبانی مالی کتابخانه‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی، رابطه مستقیم وجود دارد و سهم کمتر از نیم درصد بودجه تحقیقات در کشورمان، خود مصداقی بارز بر این غفلت بزرگ است.

مسئله ششم: نبود مدیریتی در سطح ملی برای هماهنگ‌سازی

فعالیت‌های اصطلاحنامه‌سازی در ایران

در ارتباط با مسائلی که برشمرده شد و به ویژه به دلیل پویا نبودن نظام ملی اطلاع‌رسانی، کار اصطلاحنامه‌نویسی در کشور ما بیشتر متکی بر علائق و توانایی‌های فردی است تا برنامه‌ریزی‌های استراتژیک در سطح ملی و تخصصی. شکاف‌های ارتباطی و بیخبری از کارهای موازی و غالباً دوباره کاری در حدی است که شرح شواهد آن سخن را به درازا خواهد کشاند. اصطلاحنامه‌ها تحت تأثیر افت و خیزهایی که در حیات حرفه‌ای تهیه‌کنندگان آن و روابط حرفه‌ای این افراد رخ می‌دهد، دچار نوسان و غالباً فتور می‌شوند و پرسش دغدغه‌آمیز خود من، به عنوان یک متخصص اصطلاحنامه‌سازی، این است که چه تضمینی وجود دارد که کارهای خوب در این زمینه تداوم و پویایی داشته باشند؟ یا مثلاً چگونه می‌توان نگران نبود که پروژه‌های تخصصی در سطح ملی در ۱۰۰ نسخه منتشر نشود؟!

انسان‌ها می‌روند و همیشه هم در موقعیت و مقام خود باقی نمی‌مانند اما کارها و مکاتیب‌های مدون، می‌مانند. پس جا دارد در کنار کارهایی که در زمینه اصطلاحنامه‌های خرد و کلان انجام می‌شود، نهادهای مسئول، نقش مدیریتی پویاتری ایفا کنند. به یاد می‌آورم در سال ۱۳۵۶ که در کتابخانه ملی پزشکی آمریکا دوره آموزش حین خدمت می‌دیدم، دپارتمان مش (MESH)، مسئول ویراستاری و تجدیدنظر آن بود و این کار سال‌هاست به شکل منظم و بی‌وقفه ادامه دارد، در حالی که ما در ایران در طول یک ربع قرن نتوانسته‌ایم تشکیلات اصطلاحنامه‌سازی را در جایگاه مناسب به صورت نهادی پایه‌ریزی کنیم. تا آنجا که می‌دانم علی‌رغم پیشنهادهای شفاهی که در سال ۱۳۷۷ در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی برای ایجاد چنین دپارتمانی طرح شد، عملاً هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفت و متأسفانه کتابخانه ملی نیز که به حرکت درآوردن موتور اصطلاحنامه‌سازی در انواع حوزه‌ها و هماهنگ کردن چنین فعالیت‌هایی جزء وظایف اصلی آن است، تا به حال به این نقش مهم خود، چنانکه باید نپرداخته است.

مسئله هفتم: نبود فرهنگ نقد و ضعف نقد اصطلاحنامه‌ها و در نتیجه

جایگزین شدن کار نادانان به جای کاردانات

با نگاهی به وضعیت نیروی انسانی کسانی که در تهیه اصطلاحنامه‌ها نقش داشته‌اند و بودجه‌های کلانی که ناآشنایان به اصول و فنون اصطلاحنامه‌سازی صرف تهیه اصطلاحنامه‌ها کرده‌اند و به ویژه با نقد این اصطلاحنامه‌ها، می‌توان به معنی و مفهوم استعاره انگشتی برای انگشت شکسته پی برد و من در این جا به سهم خود از هر قلم و قدمی که در زمینه نقد اصطلاحنامه‌ها برداشته می‌شود سپاسگزاری و حمایت، و برای پیشگامان این مهم، آرزوی پیروزی می‌کنم.